

ادعای پیرزاده

«شش ماهه حامله است ادعای بکارت دارد»

امیر فیض- حقوقدان

اخیرا افق ایران یک برنامه گفتگو با آقای پیرزاده داشت تا اذهان شنوندگان را در این معبر غیرقابل پاور قرار دهد که شورای تجزیه طلبان دارای استقلال فکری (۱) و استقلال مالی (۲) است

ادعای پیرزاده از مصادیق ضرب المثل <ششماهه حامله است و ادعای بکارت دارد> است.

۱- استقلال فکری و عقیدتی

بحث استقلال فکری و عقیدتی شورا یک بحث مختوم بهاست یعنی موضوعی مختومه و پایان یافته است و تجدید آن نه معقول است و نه معمول.

زیرا شورای تجزیه طلبان با جمهوری اسلامی و شخص سید علی بیعت کرده و بعد از جریان بیعت صحبت از استقلال فکری همان داستان ادعای بکارت زن ششماهه حامله است.

مسیر بیعت

شخصی که امروز خود را رئیس شورا و حتی مالک فکرو طرح شورا میدانند در سال ۱۳۸۸ با جنبش سبز بیعت کرده است. نه تنها بیعت اعتقادی، بلکه بیعت در حد فداکاری و جانبازی، مقصود آنجاست که ایشان اعلام کردند؛ هر که میخواهد از روی جنبش سبز رد بشود اول باید از روی من رد بشود و بعلافت سبز که مشخص کننده جبهه تدافعی بود مجهز گردیدند.



جنبش سبز همانطور که موسوی و کروبی و خاتمی و همه پیروان آن اعلام داشته اند <جنبش ولایی است، سخت موافق حکومت اسلامی و دخالت اسلام در حکومت و سیاست است> جنبش سبز کاملا در راستای قانون اساسی جمهوری اسلامی فعال است. جنبش سبز خواهان انتخابات آزاد و رعایت حقوق بشر است،

جنبش سبز بخشی از جمهوری اسلامی با شخصیت های متفاوت است و از نظر سیاست خارجی تمایل جدی به نوکری آمریکا و اسرائیل را دارد.

رئیس کنونی شورای تجزیه طلبان با چنان اعتقادی که جنبش سبز داشت، علیرغم مشروعیت قانونی و تاریخی و هویتی که داشت، نخستین بیعت کننده با جنبش سبز خود نمآشد و موقعیتی را ایجاد کرد که برای جنبش سبز غیرقابل تصور و برای خود رئیس فوق ذلت و خواری بود.

از آنجا که ایشان اصرار داشتند و دارند که هرچه میگویند، همه طرفداران ایشان هم همان را بگویند و بکنند بنابراین ایشان تنها بیعت شخصی با جنبش سبز نداشته اند بلکه رهبری بیعتی جمعی و بقول خودشان حداقل یک میلیون و دویست هزار ایرانی خارج از کشور را براه بیعت با جنبش سبز برده اند.

اختلاف سیدعلی و جنبش سبز

پس از مشکلاتی که بین سران جنبش سبز و سیدعلی خامنه ای پیش آمد، مشکلات مزبور سبب شکافی در مسئله بیعت بوجود آورد به این شرح که اختلاف بین سیدعلی با خاتمی و موسوی و کروبی، امر بیعت رئیس شورا را زیر سوال برد زیرا نفس بیعت، متوجه شخص است و تعارض بین شخصیت های مورد بیعت، اصل بیعت را متزلزل میسازد و این حالت تزلزل دقیقاً متوجه بیعت رئیس شورا با جنبش سبز هم گردید.

رئیس شورا (اعلیحضرت) که ناظر سیر انقراض جنبش سبز بود بفوریت چاره اندیشی کرد و با تشکیل شورای به اصطلاح ملی و ارسال نامه به سید علی بیعت خود را متمرکز به سید علی ساخت، بدون اینکه عملاً عدول از بیعت با جنبش سبز را آشکار سازد.

و از آنجا که سیدعلی و عوامل حکومت او گفته اند کسانی که قصد براندازی جمهوری اسلامی را نداشته باشند آزاد هستند، اسناد سیاسی شورای تجزیه طلبان طوری تنظیم شد که منافاتی با بیعت شورا با سید علی و حکومت او نداشته باشد؛ یعنی موضوع براندازی که جمهوری اسلامی نسبت به آن حساسیت فوق العاده ای دارد در آن ذکر نشد، و هدف شورا منحصر به انتخابات آزاد گردید که در قانون اساسی جمهوری اسلامی هم این قید مصرح است. پس از انتخاب شیخ حسن هم سید علی اعلام انتخابات آزاد را به آن نسبت داد.

ماده ۱۱ قطعنامه شورا

مهمترین مسئله ای که در قطعنامه شورای تجزیه طلبان با اسناد حقوقی جمهوری اسلامی مخالف است همان ماده ۱۱ قطعنامه است که زمینه سازی برای تجزیه کشور تلقی میشود؛ که اگر سیدعلی به بیعت شورا اهمیتی میداد و میخواست متقابلاً قبول بیعت خود را اعلام کند، ماده مزبور مانع این تصمیم او میشد؛ مگر اینکه سید علی، بیعت شورا را کلی و در عرض سلب مخالفت از شورا بگیرد که در این طریق نیازی به اعلام قبول ندارد یعنی بیعت یکطرفه.

درست است که بهنگام بیعت شورای تجزیه طلبان با جمهوری اسلامی، که بوسیله نامه شورا به سید علی، انجام شد رئیس شورا نقش سخنگویی شورا را داشته و سمت ریاست نداشته ولی به دودلیل توجه بیعت دقیقاً متوجه شخص ایشان یعنی رئیس شورا هم میباشد.

دلیل اول اینکه بنا بر اعلام رئیس شورا قطعنامه شورا را خودشان نوشته و شورا و متعلقات آن متعلق به ایشان است. از آنجا که بیعت ایشان با جنبش سبز بیعت شخصی ایشان بوده است؛ ایشان نمیتوانسته با وجود بیعت با جنبش سبز، شورای تجزیه طلبان را تشکیل بدهند، زیرا این یک موازی سازی است که شخص رئیس شورا آن کار را محکوم کرده است و برخلاف ذات بیعت نخست رئیس هم میباشد و رسم در بیعت ثانی رفع اثر از بیعت نخست است و در کلام ساده بیعت نمیتواند چندسویی باشد.

دوم اینکه قبول ریاست شورا، بمنزله اصالت دادن به همه تعهدات و تصمیمات و برنامه های شورا هم هست که یکی از آنها همان ارسال نامه بیعت به سید علی خامنه ای است.

اهمیت بیعت رئیس شورا با سید علی در این است که حدود یکسال فاصله زمانی است بین اعلام جرم جنائی علیه سید علی بوسیله رئیس شورا به دادگاه بین المللی و بیعت همان رئیس با سید علی و این نشان موقعیت متزلزل بیعت کننده است که با شخصی که به اعتقاد رئیس شورا جنایتکار و قابل مجازات است طرف بیعت و تبعیت و احترام قرار میگیرد. تصور نمیکنم در تاریخ نمونه چنین خضوع و خشوئی را بتوان یافت.

حامله شش ماهه

باجریان بیعتی که ملاحظه کردید و سابقا هم در تحریرات به آن استناد شده است؛ جانی برای ادعای استقلال فکری باقی نمیگذارد که آقای پیرزاده به گدائی از آن آمده است، ایشان عضو گروهی است که با جمهوری اسلامی بیعت کرده است، رسوائی این ادعا مانند همان زنی است که شکم پرآمده اش را همه می بیند ولی ادعای بکارت دارد. زن یا باید خیلی وقیح باشد و یا خیال کند مردم کورند.

تفاوت بین و آشکار

در اینجا یک تفاوت بینی وجود دارد و آن این است که همه کسانی که قطعنامه شورای تجزیه طلبان را امضا کرده اند اعم از آنکه هنوز عضو شورا هستند یا اخیرا رفتار اتهام زمینه سازی و تحریک برای تجزیه ایران هستند؛ و این اتهام مانع از کار سیاسی آنهاست، و در یک جامعه مترقی و منور سیاسی این چنین اشخاصی قبل از آنکه مدعیانی آنان را بکنار بکشند خودشان کنار میکشند و یا خواستار رسیدگی به اتهامشان میشوند؛ چنانکه مدرس در مقابل اتهام همکاری با آلمان ها از مجلس خواست که برای رفع اتهام از او تشکیل دادگاه داده شود.

اگر مواضعه و برنامه ریزی برای تجزیه کشور جرم تلقی شود که میشود تاموضوع مورد رسیدگی دادگاه قرار نگیرد هیچیک از حضرات که قطعنامه شورای تجزیه طلبان را امضا کرده اند حق فعالیت سیاسی ندارند. این ضابطه حقوقی برای حفظ صیانت و اعتبار و سلامت جامعه اعم از جامعه سیاسی مبارزاتی و یا جامعه حقوقی است.

همه علمای حقوق معتقدند که باید حریمی بین خوبان و بدان در جامعه وجود داشته باشد تا سلامت جامعه محفوظ بماند. بنابراین به اعتبار تداوم قانون اساسی مشروطیت و نیز باصطلاح قانون اساسی جمهوری اسلامی مواضعه کنندگان علیه وحدت ملت و تمامیت ارضی کشور در مقام اتهام قرار دارند و محجور از فعالیت سیاسی میباشند.

حالت بلبشوئی و هرج و مرجی حاکم بر مبارزه است والا در یک جامعه سیاسی پاک و روشن محال است که کسانی با این صراحت و غرور سندی رامبنی بر ایجاد زمینه و رضایت برای تجزیه کشور امضا کنند و بعد هم کرگری بخوانند.

استقلال فکری و عقیدتی

معنای استقلال فکری و عقیدتی در حقوق سیاسی به معنای آن است که شخص در اجرای نصوص مشخصه قانونی و یا شرعی استقلال عمل داشته باشد مانند نمایندگان مجلس و قضات در حقوق عمومی و مراجع تقلید در ضوابط شرعی، نه اینکه هرکس هرچوری که دلش خواست فکر کند و به آن عمل نماید این یک نوع هرج و مرج است.

در تطبیق مورد شورای با اصطلاح ملی در مجرای استقلال فکری و عقیدتی خودش میتواند در راستای قانون اساسی جمهوری اسلامی تتبعات فکری خود را به مرحله اجرا بگذارد؛ چنانکه در قطعنامه خود همین امر را رعایت کرده است که هدف شورا انتخابات آزاد و رعایت حقوق بشر منظور شده است.

شورای تجزیه طلبان در شرائط فعلی یکی از واحدهای وابسته به جمهوری اسلامی است بایک زیاده خواهی که زمینه سازی برای تجزیه کشور است. به این سند توجه فرمائید تا اصالت و وابستگی شورای تجزیه طلبان و شخص رئیس آن به جمهوری اسلامی به تائید نزدیک گردد.

دکتر کنت کاترمن، پژوهشگر بخش تحقیقات کنگره آمریکا CRS و کارشناس امور خاورمیانه کنگره در ماه ژوئن ۲۰۱۴ گزارشی در ۷۶ صفحه درباره ایران به کنگره داد که بخشی از آن تحت عنوان «آخرین وضعیت گروه های اپوزیسیون ایران» نامیده شده است.

بخش پژوهش های کنگره آمریکا CRS در سال ۱۹۱۴ تشکیل شد و نهادی است که برای تجزیه تحلیل معتبر، محرمانه، عینی و بی طرفانه شناخته میشود.

دکتر کاترمن در گزارش خود، اپوزیسیون ایران را به ۱۱ مجموعه و چند زیرمجموعه تقسیم کرده است او از جنبش سبز، رهبری موسوی و خاتمی و کروی - گروه های دانشجویی - جبهه مشارکت ایران اسلامی - سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی - مجمع روحانیون مبارز - اتحادیه کارگری - مخالفان برجسته - سلطنت طلبان - گروه های چپ - مخالفان مسلح سنی - گروه های ایرانی آمریکایی مقیم آمریکا نام میبرد.

در مورد سلطنت طلبان توضیح میدهد که آنها به نام سلطنت طلبان معرفی شده اند و اعتبار این نامگذاری بر این است که آنها رضای پهلوی را شاه خود میدانند در حالیکه رضا پهلوی خود را جمهوریخواه معرفی کرده و کاری با سلطنت طلبان که غالباً پیر و فرسوده هستند ندارد.

آقای پیرزاده اگر گزارش آقای دکتر کنت کاترمن را بخواند و یک جو انصاف و اخلاق داشته باشد ادعای استقلال فکری شورای تجزیه طلبان را عنوان نمیکند.

تبدیل لایحه در بحث های سیاسی

همانطور که در دعاوی حقوقی با تبدیل لایحه بین مدعی و مدعی علیه و تائید و تنفیذ و یا نفی و قلب موضوعات، رسوبات لویح سبب حکم دادگاه میشود و مفهوم حکم دادگاه این است که سره از ناسره بتشخیص آمده است، در بحث های سیاسی نیز پاسخ به ادعا، عمل تنفیذ و یا نفی و قلب لایحه را در دادگاه ها بعهدده دارد و خوانندگان تحریرات بحث های سیاسی، در مقام قاضی دادگاه به تشخیص درستی ادعا و یا بطلان آن قضاوت خواهند کرد و همین قضاوت است که افکار عمومی و دامنه بحث های سیاسی و فلسفی مربوط به مبارزه را پاک و از ناسره گی دور میسازد و زمینه ای برای قضاوت تاریخ و آیندگان میشود.

در مورد اثبات بیعت شورای تجزیه طلبان با جمهوری اسلامی و بخصوص با شخص سید علی خامنه ای در تحریرات سابقه مفصل و مشروح و مستدل اقدام گردید و هیچ پاسخ و یا دفاعی در ردان ارائه نگردید و این بمنزله قبول ادعای مبنی بر بیعت شورا با جمهوری اسلامی است.

از آنجا که احکام غیابی این حق را برای محکوم قائل شده است که پس از آگاهی از حکم، حق اعتراض داشته باشد؛ این تحریر مفتخر است تا به استحضار رئیس شورا و شورای ایشان برساند که در بیان ادعای بیعت شورا با جمهوری اسلامی قائما استوار و بیگیر است.

۲- استقلال مالی

در برنامه گفتگو بین ابوشریف ثانی (مهدی آقازمانی) (در این مورد توضیح لازم داده خواهد شد) با رضا پیرزاده، تبانی و هماهنگی در موضوعات مصاحبه به آنجا رسید که ابوشریف ثانی راجع به امکانات مالی شورا و تلویزیون افق سوال کرد و سوال شد که آیا شورا و تلویزیون آن از کمک های خارجی استفاده میکنند؟ آقای پیرزاده، که تصور میکنم عنوان دروغ زاده بیشتر برآزنده ایشان باشد؛ مدعی میشود که خیرشورا و تلویزیون آن به این دلیل از کمکهای خارجی استفاده نمیکند که شورا میخواهد استقلال مالی و سیاسی داشته باشد.

ایشان برای اثبات اینکه شورا فقط به کمک مالی ایرانیان متکی و چرخ آن میگردد به آقای درمانی اشاره میکند که ایشان چند شرکت و تعداد زیادی کارمند دارد. ولی تا آنجا که شهرت دارد، آقای درمانی به شغل ماشین فروشی اشتغال دارند.

راستهایی که دروغ دروغزاده را یامال میکند

با اینکه تحریر حاضر به صفحه ۵ رسیده است و امساک و خودداری از طول تحریرات مراعات تحریر است معذرا از ادامه آن با عرض پوزش چاره ای نیست.

★ ادعای اینکه آقای درمانی و یا شخص دیگری چند شرکت و کارمند دارد ارتباطی به اثبات اینکه هزینه های شورا و افق ایران و زیان ۵۰ هزار دلاری ماهیانه تلویزیون اندیشه (اظهارات آقای فرامرز فروزنده) از طرف آقای درمانی تامین میشود ندارد. آقای دیک چینی هم خیلی ثروت دارد و ثروتمند بودن ایشان دلیل گردش سازمان های غیردولتی و یا دولتی آمریکا نمیشود.

پرداخت هزینه موسسات یک امر مادی است که کم و کیف آن از طریق حسابرسی و ارائه بیلان روشن میشود نه ادعا. ادعای آقای پیرزاده مبنی بر تامین هزینه های شورا و تلویزیون اندیشه و افق ایران همانقدر واجد اعتبار است که ایشان مدعی شود آن هزینه را خود ایشان میپردازد.

قرائن قابل ملاحظه

ولی همواره قرائنی وجود دارد که میتواند کمک باشد به رد ادعای ناموجه؛ تامین هزینه ها از سوی شخص مشخصی. قرائن در این مورد همان است که با عنوان قسم حضرت عباس یا دم خروس متداول مردم است. اجمال آن قرائن در مورد آقای درمانی بقرار زیر است.

- ۱- آقای درمانی نزدیک به ۵ سال است که هرماه ۵۰ هزاردلار زیان تلویزیون اندیشه را میپردازد (منبع خبر آقای فروزنده) [۳،۰۰۰،۰۰۰ دلار در ۵ سال]
- ۲- آقای درمانی یک سلطنت طلب است (همان مآخذ)
- ۳- آقای درمانی گفته است نمیخواهم زنده باشم اگر یک وجب از ایران تجزیه شود (همان مآخذ)
- ۴- آقای درمانی گفته است من به ایران برو نیستم فقط میخواهم کاری کرده باشم (همان مآخذ)
- ۵- آقای فرامرز فروزنده که از طرف آقای درمانی به تصدی تلویزیون منصوب بوده گفته است حمن یک جمهوریخواه هستم و این مطلب رابه شاهزاده رضا پهلوی هم گفته ام.
- ۶- بابرکناری آقای فروزنده از تلویزیون اندیشه آقای کورس عرفانی با نام حقیقی (ملاجانی) متصدی و جایگزین آقای فروزنده شد. [او یک چپ گرا و همراه رژیم اسلامی است]
- ۷- آقای کورس عرفانی از مخالفین سخت رژیم شاهنشاهی که هنوز هم ادب اخلاقی نشده و اتهامات سنگین و ناوارد و کریه که نشانگر کینه های چپ گرایان احمق است متوجه خانواده سلطنتی ایران خاصه علیاحضرت کرده و میکند.
- ۸- هیچ خبری ویا آمار عددی از هزینه های شورای تجزیه طلبان تاکنون منتشر نشده است و فقط این خبر در رسانه های لوس آنجلس آمده است که برای میهمانی همیاری تلویزیونهای لوس آنجلس که در کانادا انجام شد ۱۰۰،۰۰۰ دلار خرج گردیده است.
- ۹- آقای فروزنده گفته است که یک سازمان (بدون ذکر نام) از آقای درمانی مخ شونی کرده است یعنی آقای درمانی عقل معیشت سالمی ندارد.

داوری بر قرینه های صارفه

قرائن بالا و تبعات آن این باور را بوجود میآورد که:

- ★ از محالات است که یک ایرانی سلطنت طلب بارسنگین هزینه های مبارزاتی سازمانی را تحمل کند که متصدی آن چه در زمان آقای فروزنده جمهوریخواه و چه اکنون که متصدی آن یک فرد دشمن پادشاهی ایران باشد.
- ★ از محالات است کسی که قصد برگشت به ایران را ندارد پرداخت هزینه هائی را آنهم بطور مستمر در راه نجات ایران پرداخت کند مگر آنکه همانطور که آقای فروزنده مدعی است از پرداخت کننده هزینه ها مخ شونی شده باشد.
- ★ از محالات است که یک شخصی که مدعی است حاضراست زنده نباشد که یک وجب از خاک ایران جدا شود بیاید هزینه های سرسام آور یک فعالیت را متحمل شود که تجزیه کشور در مدار اقدامات سیاسی و اساسی آن قرار دارد.
- ★ کسیکه میخواهد کاری برای ایران کرده باشد که نامش باقی بماند هرگز به فعالیت در جهت تجزیه کشور راضی نمیشود که چنین نام نکبت باری از او باقی بماند.
- ★ محالات مزبور جنبه عمومی دارد چنانکه آقای صبوحی نوشته است.

آقای درمانی چطور با ضرر ماهی ۵۰ هزار دلاریه مدت ۵ سال هنوز تلویزیون راسرپا نگهداشته است؟ سیاستهای طرفداری آقای درمانی از شورای ملی چگونه با سیاستهای ضد یهود و ضد سلطنتی کورس عرفانی به پیش میرفت؟ که از زمان مدیریت عرفانی - افتخاری، محمد امینی طرفدار جناح اصلاحات

ومیرحسین موسوی تاکنون بیش از ۲۰ برنامه گفتگو اجرا کرده است. این ام در زمان تصدی پرویز کاردان (امروز) هم ادامه دارد.

حاشیه – علت برکناری فروزنده

تغییر سیاست آمریکا در ایران در جهت حمایت مجدد از جناح اصلاح طلب لازم ساخت که تلویزیون اندیشه هم که در جهت سیاست آمریکا و با پول آمریکا فعال بود تغییر جهت بدهد و داد؛ یعنی عرفانی و افتخاری در جهت حمایت از اصلاح طلبان برنامه های متنوعی را دنبال کردند چنانکه در مدت کوتاهی حد اقل ۲۰ برنامه تلویزیون اندیشه در جهت اصلاح طلبان و جنبش سبز جریان یافته است. و این کار از فروزنده برنمیآید؛ لاجرم او را برداشتند و آنچه درباره برکناری او گفته شده از قبیل حکم رئیس شورا با واقعیت علت برکناری او همآهنگ نیست. همین علت، علت اصلی برکناری سیامک دهقانپور از صدای آمریکا هم بود که پته شورای تجریه طلبان را بریاد داد و گفت ماده ۱۱ منشور شورا با استقلال و تمامیت ارضی ایران منافات دارد.

اکنون به موازات انتخابات ریاست جمهوری شیخ حسن سیرخزنده انتقال قدرت به جناح سبز و اصلاح گران مشهود است. این ملاحظات نمیتواند در مسیر رسانه های گروهی بی اثر باشد. این حقیقت همان است که مدیر تلویزیون کانال یک (شهرام همایون) هم صریحا اعلام کرد. (پایان حاشیه)

محل تامین هزینه های شورا و تلویزیون

✳️ اعلیحضرت که امروز خودشان را مالک و رئیس شورای تجزیه طلبان میدانند در سال ۱۳۸۸ در کتاب زمان انتخاب بیاناتی دارند که منبع تامین هزینه های شورا و تلویزیون آنرا مشخص میکند؛ ایشان نوشته اند:

حشکیبا باشید، اینها همه شکل میگیرد و هر آنچه برای متحد کردن این نیروی هنوز پراکنده در چهار گوشه جهان ضروری است انجام میدهم در تلاشم که یک شورای ملی مرکب از همه گرایشهای مختلف اپوزیسیون بسازم <

(صفحه ۸۹)

بنابراین اعلیحضرت از سال ۸۸ و قبل از آن در تصمیم ساختن شورائی بنام شورای ملی بوده اند!!

امکانات مالی شورا

اعلیحضرت درباره امکانات مالی شورا میفرمایند: <از نقطه نظر امکانات مالی، نباید اپوزیسیون دموکراتیک ایران مورد پشتیبانی هیچ حکومتی قرار گیرد، حفظ استقلال اپوزیسیون نیازی حیاتی است >

(صفحه ۹۰)

اشاره اعلیحضرت، اشاره به فلسفه مبارزه است نه اعتقاد خودشان. یعنی فلسفه مبارزه را توضیح داده اند نه اینکه مبارزه خودشان را شامل آن بدانند؛ به همین دلیل است که سیره مبارزه اعلیحضرت نشان میدهد، علاوه بر اینکه در طول سی سال گذشته کمتر مصاحبه ای از ایشان در دست است که درخواست کمک و حمایت از خارجیان نشده است، و صریحا اعلام فرموده اند که بدون حمایت خارجیان هیچ موفقیتی ممکن

نیست، در همین کتاب بلافاصله پس از بیان لزوم استقلال مالی و محکوم کردن کمک بیگانه به اپوزیسیون دمکراتیک، میفرمایند:

غالباً در غرب از من میپرسند چگونه میتوان به شما یاری رساند؟

در پاسخ میگویم:

«کمک کنید تا وسائل ارتباطی قدرتمند و قابل اتکا با داخل کشور ایجاد کنیم بر فشارهای سیاسی و اقتصادی خود بر جمهوری اسلامی بیفزائید اما هرگز بر سر حقوق بشر و دمکراسی در ایران مصالحه نکنید»

(همان صفحه ۹۰)

اگر اعلیحضرت معتقد به اصول مبارزه و پاک بودن آن از حمایت خارجی بودند در مقابل پرسش خارجیانی که چگونه ممکن است بشما کمک کرد پاسخ همان بود که در سالهای نخست فرموده بودند: «پهلوی ها به مردم متکی اند نه به خارجیان» نه اینکه آن پاسخ پرمحتوا یعنی رابطه بین کمک آمریکا برای تاسیس تلویزیون و فشار بیشتر تحریم ها و حمایت از بهانه های حقوق بشرانه آمریکا را ایجاد بفرمایند .. ماهیت پاسخ اعلیحضرت متأسفانه فصل قرار و مدار و ایجاب و قبول را با آمریکا مفتوح ساخته است.

بودجه های کمک آمریکا به اپوزیسیون

درخواست اعلیحضرت از خارجیان (آمریکا) مبنی بر کمک برای ایجاد تلویزیون و همچنین اصرار به حفظ تز نافرمانی مدنی یک درخواست سرپهوا نبوده و نیست ایشان استحضار دارند که آمریکا بودجه های مختلفی بصورت قانون (از جمله قانون آزادی ایران) برای کمک به اپوزیسیون با خواسته های حفظ حقوق اقلیت ها - تلاش برای آزادی و دمکراسی و اتحاد و همبستگی گروه های سیاسی - انتخابات آزاد و رفرا اندم منظور داشته، که بصورت قانون درآمده است، از جمله در ۵ سال گذشته میتوان به موارد زیر نگاه کرد:

- ۱- در سال ۲۰۰۷ مبلغ ۶۶ میلیون دلار برای گسترش دمکراسی در ایران (برخی آنرا ۷۵ میلیون نوشته اند)
- ۲- سال ۲۰۰۹ مبلغ ۵۵ میلیون دلار برای جنک نرم با ایران.
- ۳- در سال ۲۰۱۰ مبلغ ۵۵ میلیون دلار برای نفوذ در ایران.
- ۴- مبلغ ۲۰ میلیون دلار برای کمک هزینه.
- ۵- در سال ۲۰۱۱ مبلغ ۲۵ میلیون دلار برای تخریب فضای سایبری ایران تخصیص یافته است.

خانم رایس در گزارش عملکرد بودجه آمریکا علیه ایران گفته است: «مبالغی هم برای هیئت کارفرمایان بخش رادیو تلویزیونی شامل هزینه های صدای آمریکا به فارسی، رادیو فردا و رادیو آزادی هزینه میشد (دقت کنید تاریخ این گزارش خانم رایس قبل از تشکیل شورای تجزیه طلبان و تلویزیون آن میباشد؛ یعنی کارفرمایان تلویزیون هائی که بعد از گزارش خانم رایس بوجود آمده از جمله همین تلویزیون شورای تجزیه طلبان، کارفرمای آن که بنا بر اعلام رئیس شورا مشخص شده که کیست از آن کمکها بهره مند میشوند.)

حاشیه - کاملاً معلوم است که هزینه های بخش رادیو تلویزیونی که در گزارش خانم رایس آمده به غیر از هزینه هائی است که در گزارش او از مبالغی یاد شده که به هیئت کارفرمایان داده میشود، و در واقع رقم مزبور یک دستمزد خدمتی است که آمریکا به آنها میپردازند.

نافرمانی مدنی

عرض شد که محل مصرف بودجه هائی که آمریکا برای اپوزیسیون ایران مقرر کرده جهات معینی است از جمله نافرمانی مدنی؛ به سند این حقیقت توجه فرمائید.

خانه آزادی در ۶۰ سال قبل بوسیله همسر آقای روزولت رئیس جمهوری آمریکا تشکیل شد که عملاً پایگاهی برای کمک به مخالفان حکومتها برای تامین آزادی اسمی است. آقای پیتر اکرمین رئیس خانه مزبور خود موسس سازمانی است که هدفش ترغیب و توسعه نافرمانی مدنی است برای تامین آزادی (اسمی)؛ او وسازمانش بطرق مختلف درباروری این خواسته فعالیت وبه طرفداران نافرمانی مدنی آموزش و حمایت وکمک میکنند، اصرار رئیس شورای تجزیه طلبان مبنی برحفظ تز نافرمانی مدنی از مسائلی است که شورا و رئیس آنرا به خانه آزادی و برنامه پیترمن وصل میکند.

یک مرکز اسناد حقوق بشر هم در ایالت کانتیکات آمریکا وجود دارد که بابودجه دولت آمریکا اداره میشود که به سازمان های مبارزاتی وفعالین مخالف خشونت گرانی درکشورها کمک میکند.

بفرمائید به داوری

آیا باوجود اسناد وشواهدی که ارائه گردید میتوان گفت که هزینه های سرسام آور و ریخت وپاشهای بی حساب شورای تجزیه طلبان وهزینه های تلویزیون اندیشه که یک قلم زیان ۵ ساله آن برابر ۳ میلیون دلارمیشود وبرای یک جلسه هماهنگی رسانه ها درکانادا ۱۰۰ هزاردلارخرج میهمانی تراشیده شده وشورا درفرانسه ولوس آنجلس دفترودستک وبیا وبرو دارد همه را آقای درمانی میدهد یا عقل سلیم تامین کننده هزینه های شورا ومخلفاتش را سازمان های دولتی وغیردولتی آمریکا میداند؟

مجاهدین خلق هم مدعی استقلال سیاسی ومالی بودند ومیگفتند مردم هستند که کمک مالی میکنند چقدر شباهت دارد ادعای مجاهدین خلق وادعای پیرزاده